

حدیث روز:

از امام حسن(ع) سؤال شد: فقر چیست؟
فرمود: سیری ناپذیری نفس نسبت به هر چیزی.

واحه:

بنوش درد و فنا شو اگر بقا خواهی
که زادره فنا دردی خرابات است

اوقات شرعی:

اذان ظهر: ۱۲/۱۰
اذان مغرب: ۱۷/۲۶
اذان صبح (فردا): ۵/۴۵
غروب آفتاب: ۱۷/۰۶
نیمه شب شرعی: ۲۳/۲۶
طلوع خورشید (فردا): ۷/۱۵

**وضعیت
آب و هوای
امروز**

تهران

اردبیل

اراک

بوشهر

بیرجند

ساری

سنندج

کرمان

۷ / -۱۰

۷ / -۷

۱۱ / -۲

۶ / -۱۱

۲۰ / ۱۲

چهارشنبه ۱۷ دی ۱۳۹۹ | ۲۲ جمادی الاول ۱۴۴۲ | صفحه ۱۰ | سال بیست و یکم - شماره ۵۸۴۸ | استان تهران و البرز ۲۵۰ تومان - دیگر استان ها ۱۵۰۰ تومان | Wednesday - January 6, 2021

شایه ۳۶۳۷۰-ISSN1۳۱۷۳۰۰۰۰
پایگاه اطلاع رسانی:
www.jamejamdaily.ir
پست الکترونیکی:
info@jamejamdaily.ir



■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی

امروز در تاریخ:

فرمان کشف حجاب به دستور رضاخان (۱۳۱۴ ش)
زادروز جواد فکوری، فرمانده نیروی هوایی
وزیر دفاع جمهوری اسلامی ایران (۱۳۱۷ ش)
زادروز محمدرضا لطفی، نوازنده تار و سه تار
و آهنگساز ایرانی (۱۳۲۵ ش)
زادروز محمدجواد ظریف، وزیر خارجه
جمهوری اسلامی ایران (۱۳۳۸ ش)
درگذشت غلامرضا تختی، کشتی گیر معروف
ایرانی و قهرمان جهان (۱۳۴۶ ش)

حکمت ۲۷:

با بیماریات بساز، یعنی مادامی که تحمل
بیماری برایات آسان است و قادر به انجام کارهای
خود هستی، بر بیماری شکبیا باش.

خودنویس

ما آنجا بودیم



حامد عسگری

شاعر و نویسنده

پرواز که نشست،
میدان حجاج را که آمدیم
پایین، مسیر را که
پرسیدم، دلم هری ریخت،
این خیابان و این مسیر
ظرفیت این جمعیت را
قطعا نداشت، شیطان را
لعنت کردم، شگون بد
زده بودم ولی از دلم گذشت این خیابان و این مسیر
کشته خواد داد، خیابان ها گله به گله موکب بود و
بوی اسفند و کندر و دشتی بود که بالا می رفت، شب
در جمع دوستان بودیم. صبح روز مسیر
جمعیت حیرت آور بود. گشش هایت را می پوشیدی
و در حیاط خانه ات هم می ایستادی یکی از
مشایعت کنندگان پیکر حاج قاسم بودی،
می خواستیم برویم آزادی را پیکر راه بیفتیم.
چاووش، عکاس گروه گفت من توی
تشییع جنازه های این شکلی بودهام، برویم یک جای
بلند بایستیم و از آن همان جا ببینیم و بنویسیم و
عکس بگیریم. راه رفتن کنار ماشین در این
جمعیت کشته می دهد. پیکرش از آزادی راه افتاد.
جمعیت موج زد. جمعیت پس خورد. گیر کرد به
فنس ها و نرده هایی که نمی دادم برای چه وسط
خیابان کشیده بودند. و شد آنچه نباید می شد.
ساعتی بعد، کوچه بود و حجم انبوهی لنگه کشش،
رو سری، دمپایی، شال و... صدای آمبولانس ها بود
که رخت درختان خواب رفته را چاک می داد و دل بود
که به تپش می افتاد. اتفاقی که بیمش به جانمان
افتاده بود حالا افتاده بود. در تشییع پیکر سردار،
شصت و خرده ای نفر آسمانی شدند؛ بی اسمی،
بی پادی، بی خبری. هیچ... تازه عقل کردند به میدان
مشایت که رسیدند، پیکر را سریع حرکت داده و
نگذاشتند ماشین وارد خیابان زریسف شود. خیلی
راحت می شد اتوبان کم رنمدی پهن کرمان را برای
تشییع انتخاب کرد. خیلی راحت می شد دو طرف
بزرگراه را هم موکب زد و تا چشم کار می کرد، جمعیت
دید و عشق به سردار. خدا کند در جلسات شان شک
نکرده باشند به مردم. به این که نباید توی بزرگراه
ببندازیم ممکن است جمعیت کچل دیده شود و
قشنگ نباشد. آن شصت و خرده ای نفر که الان
همنشین حاج قاسم شده اند در اعلی علین. من
فقط به مسؤلان و تصمیم گیری فکر می کنم که در
این یک سال توانسته اند یک شب راحت بخوابند.

گفت وگو با مسعود اسکویی در سالروز درگذشت جهان پهلوان تختی

برای تختی گریه کردم، ساواک آمد سراغم!

طاهره آشیانی

روزنامه نگار

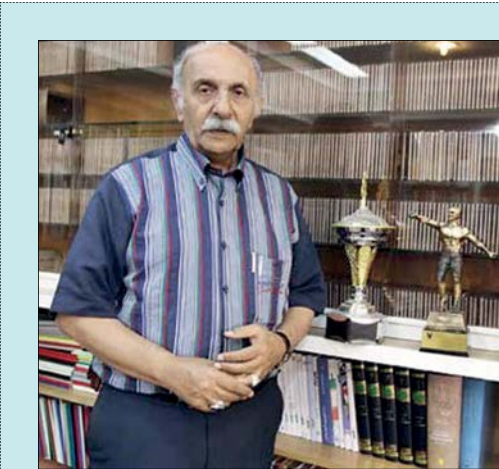
درباره غلامرضا تختی زیاد نوشته شده، از سال
۱۳۲۸ که برای اولین بار مسابقه داد و به چشم
آمد تا همین امسال. هم به مناسبت زادروزش
پنجم شهریور ۱۳۰۹ و هم روزی که از دنیا رفت
۱۳۴۶. وقتی فقط ۳۷ ساله بود و در اوج
شهرت و محبوبیت و یک پسر داشت به نام بابک که برای پی پدر شدن
خیلی کم سن و سال بود. مرگش و این که خودکشی کرد به اندازه سبک
زندگی اش همه را غافلگیر کرد و این پرسش را برای همیشه بی جواب
گذاشت؛ آقا تختی که برای همه پدری می کرد چه شد که پسر خود را بی پدر
گذاشت و او که همیشه آماده بود تا سوءتفاهم ها را رفع کند و حرف برند
و گفت وگو کند چرا مرگی را برای خود انتخاب کرد که پر از ابهام بود و هنوز
هم مبهم مانده و هنوز هم اولین سوالی که به ذهن می رسد و به زبان آورده
می شود این است که چرا؟ اما هیچ کس برای این چرا جوابی ندارد. سال های
اول شایعاتی بال و پر گرفت و روزبه روز زیادت شد و سایه ای پررنگ شد بر
زندگی خانوادگی تختی و چرایی مرگش. اما دیروز که به مسعود اسکویی،
ورزش نویس قدیمی و گوینده و مجری پیشکسوت رادیو و تلویزیون تلفن
کردم تا با او درباره تختی صحبت کنم با تاکید گفت: خداوند همه کسانی که
همسر آقا تختی، خانم شهلای توکلی را مسبب مرگ او می دانستند، نخواهد
بخشید. من خانم توکلی را می شناختم و بسیار محبوب بودند و از یک
خانواده درست و حسابی و آبرومند. خانم توکلی بعد از فوت آقا تختی بنا به
احترامی که برای همسر خود قائل بود هرگز ازدواج نکرد و مهم تر این که در
برابر همه شایعات و تهمت ها سکوت کرد. ۴۷ سال سکوت خیلی جرات
می خواهد و صبر و بزرگی که همسر آقا تختی صاحب همه این کمالات بود.
خدا از کسانی که به او تهمت زدند نخواهد گذشت.

دست افتاده رایگیر

مسعود اسکویی بر این باور است که سال هاست درباره این که آقا تختی
اسطوره بوده و بعد از زلزله بوئین زهرا به میان مردم می رود و برای

اصل جوانمردی

به اسکویی می گویم طبق آنچه در فیلم تختی ساخته بهرام توکلی
دیدیم، آقا تختی به مردم زیاد کمک می کرد و هرچه مدال و پول به
دست می آورد به نیازمندان می داد و همین باعث شده بود اوضاع
مالی خودش زیاد خوب نباشد، شما در این باره چیزی شنیده بودید؟
می گوید: از اوضاع مالی اش خبر ندارم اما این قانون آقا تختی بود
که چشمش را به روی هیچ نیازمندی نمی بست. کمک به مردم
یک اصل بود در زندگی اش. این که می گویند آقا تختی مردمی
بود، به همین دلیل است. او در این زمینه استثنایی است و
هیچ کس شبیه او نیست. تا الان که هیچ کس نتوانسته مانند
او باشد و بعد از این هم تصور نمی کنم جامعه ما جوانمردی
مانند او را به خود ببیند.



امید مهدی نژاد

طنزنویس

در روزگار سلطان
سنختر سلجوقی در
یکی از قصبات غزنین
روباهی زندگی می کرد
که بسیار مکار و حیله گر
بود و با استفاده از مکر
و حیله و طرح و برنامه،
مغ ها و خروس ها را
شکار می کرد و به مصرف غذایی خود می رساند.
روزی روباه که برای شکار از لانه خارج شده بود
به پشت پرچین مزمرعی رسید که چند خروس
روی پرچین آن مزمره نشسته بودند و قوقولی قوقو
می کردند. روباه نزدیک یکی از خروس ها شد و
گفت: چه صدای خوبی دارید آقای خروس. امروز
صبح نیز آواز زیباتر را شنیدم و بسیار لذت
بردم و اکنون خدمت رسیدم تا ضمن عرض
تبریک برای این صدای زیبا از شما بپرسم آیا
کلاس یا کارگاه تدریس آواز ندارید؟ خروس گفت:
با سیاست از شما، خیر.
روباه گفت: حتی به طور آلتاین هم تدریس
نمی کنید؟ خروس گفت: خیر. روباه گفت: راستی
خبر تازه را شنیدید اید؟ خروس گفت: خیر. روباه
گفت: روز گذشته تمام حیوانات تشکیل جلسه داده
و با هم شور و مشورت کرده و امروز را به عنوان
روز صلح و آشتی ملی انتخاب کرده اند. خروس
گفت: اوه چه جالب. روباه گفت: اکنون که روز
صلح و آشتی ملی و جشن همدلی و همزبانی
است چرا به همراه دوستان از بالای پرچین پایین
نمی آید که کمی با هم اختلاط کنیم و صلح و
آشتی ملی را به جشن بنشینیم. خروس که وصف
حیله گرکی روباه را شنیده بود و می دانست با این
حرف ها خنده دارد و را خر خند و بخورد، گردنش
را دراز کرد و به سمت دوردست نگاهی انداخت.
روباه پرسید: چیزی شده؟ خروس گفت: خیر. دو
جانور به این سمت نزدیک می شوند. روباه پرسید:
چه جانوری هستند؟ خروس گفت: یک جفت
سگ هستند. در این لحظه روباه دمش را روی
کولش گذاشت و فرار کرد. خروس خنده کرد و
گفت: روز صلح و آشتی ملی و جشن همدلی چطور
شد؟ روباه گفت: در جلسه دیروز سگ ها حضور
نداشتند و گمانم خبر صلح و آشتی ملی را
نشنیده اند. خروس گفت: خر خودی و تا پایان
روز به قوقولی قوقوی خود ادامه داد.

هشدار خطیب جمعه قم نسبت به براندازی

آیت... علی مشکینی، امام جمعه قم گفت: کسانی در نظام اسلامی قصد براندازی دولت حق را دارند و می خواهند
دولت کفر را جایگزین آن کنند و در حکومت اسلامی هیچ خطری بالاتر از براندازی نیست.
وی افزود: از روز اول خلقت تاکنون دو گروه در مقابل یکدیگر قرار گرفته اند: یکی جبهه حق و در راس آن انبیا و
مومنان و دیگری جبهه باطل شامل طاغوت ها و وعظ السلاطین. (صفحه ۱۶)

رنگ خدا، هفتمین برگزیده سال ۲۰۰۰



فیلم «رنگ خدا» ساخته مجید مجیدی
در فهرست فیلم های برگزیده سال ۲۰۰۰
در دو نشریه معتبر جهانی قرار گرفت.
مجله تایم در شماره ۱۸ دسامبر ۲۰۰۰ ضمن
معرفی ۱۰ فیلم برتر سال درباره فیلم رنگ
خدا نوشت: پسری نابینا با عشقی وافر
به طبیعت تلاش می کند پدری را دوست
داشته باشد که نسبت به توانایی های او
عاجز است

استفن هولدن نیز در نیویورک تایمز ۱۰ فیلم برتر سال را معرفی کرد و فیلم رنگ خدا
را در ردیف هفتم قرار داد. او درباره رنگ خدا نوشت: این فیلم تاثیرگذار ایرانی جهان
را چنان مورد مکاشفه قرار می دهد که پسر هشت ساله نابینا آن را تجربه می کند. پدر
این پسر به او توجه نمی کند اما پسر ناامید نمی شود. تماشای این فیلم به مثابه
بارگشت به باغ عدن است. (صفحه ۳)

جاده ممنوعه در کنار تالاب انزلی

احداث جاده کنارگذر تالاب انزلی اقدامی غیرقانونی است.

جبهه سبز ایران طی بیانیه ای با اعلام این مطلب افزود: با این که
مصوبه شورای عالی شهرسازی برای احداث کنارگذر از شمال تالاب
انزلی در تاریخ ۶۷/۱۰/۱۹ است اما کلنگ آن در سال ۷۶ یعنی پس از
مصوبه مجلس شورای اسلامی به زمین زده شد و اجرای آن نیز در
سال ۷۸ یعنی سال آخر برنامه دوم آغاز شد که کاری خلاف قانون
است. (صفحه یک)

وقتی کاسانو جوان بود

باشگاه منچستر یونایتد رقابتی را برای در اختیار گرفتن بازیکن ۱۸ساله
خطمیانی تیم باری ایتالیا به نام آنتونیو کاسانو آغاز کرد.
باشگاه باری ۲۰ میلیون پوند برای این بازیکن قیمت گذاشته است. چندین
باشگاه بزرگ ایتالیا مصرا نه خواهان این بازیکن هستند. آلکس فرگوسن،
سرمربی تیم منچستر یونایتد روز شنبه از نزدیک مسابقه تیم باری را در
ویچنزا تماشا کرد و کاسانو را به دقت زیر نظر داشت. صاحبان منچستر یونایتد
درصدند با کاسانو قراردادی دوساله امضا کنند. (صفحه ۱۵)

محاکمه دکتر مرگ در انگلستان

یک پزشک که چندی قبل به اتهام قتل ۱۵ نفر از بیمارانش به حبس ابد
محکوم شده بود به قتل ۲۳۶ نفر در طول ۲۴ سال اعتراف کرد.
به گزارش بی بی سی، دکتر هارولد شپیمن، پزشک عمومی شهر منچستر که
۲۴ سال قبل در این شهر به مداوای بیماران خود اشتغال داشت سال
گذشته از سوی بازماندگان یکی از مقتولان و طی شکایتی که به دادگاه ارائه
شد تحت نظر مأموران پلیس قرار گرفت و آنها متوجه شدند او پس از مدتی
که با بیماران خود ارتباط برقرار می کرده آنها پس از مدتی به دلایل نامعلومی
جان خود را از دست می دادند.
با شکایت های ارائه شده کارآگاهان شهر منچستر متوجه شدند که این
پزشک بیماران خود را با تزریق هرویین به قتل می رسانده. پس از دستگیری
و تحقیقات گسترده ای شروع و مشخص شد که این پزشک ۲۳۶ نفر را با
همین روش به قتل رسانده. او بیماران را بعد از ظهرها به مطب خود می کشاند
و آنها را با تزریق هرویین به قتل می رساند. (صفحه ۱۴)

